

## تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه: نگاهی به

داستان حضرت مریم علیها السلام

ناظره بتول<sup>۱</sup>، مریم برقی<sup>۲</sup>

### چکیده

تکفل و سرپرستی کودکان یکی از موضوعات مهم در آموزه‌های اسلامی است که هم از منظر عاطفی و اخلاقی و هم از جنبه حقوقی و فقهی اهمیت ویژه‌ای دارد. فقه امامیه، به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فقه اسلامی، احکام و مقررات جامعی را در مورد سرپرستی کودکان ارائه داده است. سرپرستی نه تنها یک وظیفه فردی، بلکه مسئولیتی اجتماعی برای تقویت بنیان‌های اخلاقی و انسانی جامعه به شمار می‌رود. قرآن کریم، در جایگاه منبع اصلی شریعت اسلامی، در داستان حضرت مریم علیها السلام و سرپرستی ایشان توسط حضرت زکریا علیه السلام، الگویی بارز از مسئولیت‌پذیری و تکفل ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه و با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و داستان حضرت مریم علیها السلام، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مبانی فقهی و مفاهیم قرآنی، این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. ابتدا شرایط، احکام و وظایف سرپرستان در فقه امامیه تحلیل شده و سپس این مفاهیم در پرتو داستان حضرت مریم علیها السلام بررسی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم الگویی عملی و الهام‌بخش از مسئولیت‌پذیری و حمایت از کودکان نیازمند ارائه می‌دهد و داستان حضرت مریم علیها السلام نمونه‌ای از سرپرستی و تأمین نیازهای مادی و معنوی، شامل تربیت اخلاقی و رشد روحی کودکان است.

**واژگان کلیدی:** کودک، حقوق کودکان، سرپرستی، حضانت.

---

۱. طلبه دکتری فقه خانواده، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: mumtaznazira1@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه خانواده، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران / رئیس پژوهشکده فقه و

مبانی حقوق، جامعه الزهرا، قم، ایران.

Email: m.borqhei@yahoo.com

## ۱. مقدمه

دوره کودکی دوران ضعف و نیازمندی است. (ر.ک.، حج: ۵؛ روم: ۵۴؛ غافر: ۶۷) در این دوران، خداوند خود کفالت کودکان را برعهده گرفته و از والدین خواسته است تا به حقوق کودکان پایبند باشند و از هرگونه ضرر و زیان به آنان خودداری کنند. تکفل و سرپرستی کودکان یکی از موضوعات اساسی و بنیادین در جوامع انسانی است که از جنبه‌های دینی، اخلاقی، حقوقی و اجتماعی قابل بررسی است. در ادبیات اسلامی، سرپرستی و تکفل کودکان جایگاه والایی دارد و یکی از وظایف اخلاقی و اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شود. فقه امامیه، به عنوان یکی از منابع اصلی استنباط احکام اسلامی، توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته و قواعد و مقرراتی در این زمینه وضع کرده است. احکام مرتبط با تکفل و سرپرستی در فقه امامیه، نه تنها به مسائل حقوقی و تکالیف سرپرستان می‌پردازد، بلکه جنبه‌های تربیتی، عاطفی و معنوی این امر را نیز در نظر می‌گیرد. در قرآن کریم به این موضوع بسیار تأکید شده است. در مورد سرپرستی حضرت مریم علیها السلام آمده است: «ذلک من أنباء الغیب نوحیه إلیک وما کنتم لدیهم إذ یلقون أقلامهم أیهم یکفل مریم وما کنتم لدیهم إذ یختصمون؛ (ای پیامبر!) این از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم و تو در آن هنگام که قلم‌های خود را (برای قرعه‌کشی) به آب می‌افکندند تا کدام یک کفالت و سرپرستی مریم را عهده‌دار شود و (نیز) به هنگامی که دانشمندان بنی اسرائیل برای کسب افتخار سرپرستی او با هم کشمکش داشتند، حضور نداشتی و همه اینها از راه وحی به تو گفته شد» (آل عمران: ۴۴).

حضرت علی علیه السلام در مورد حضانت در اسلام احکامی را بیان کرده است (مجلسی، ۱۳۹۸، ۲۴۷/۹۲). قرآن کریم، در جایگاه منبع اصلی شریعت اسلامی، در آیات متعدد به اهمیت سرپرستی کودکان و مسئولیت‌پذیری در قبال افراد نیازمند تأکید کرده است. یکی از داستان‌های الهام‌بخش در این زمینه، داستان حضرت مریم علیها السلام و سرپرستی ایشان توسط حضرت زکریا علیه السلام است که در سوره آل عمران با بیانی زیبا و تأثیرگذار نقل شده است. این داستان نه تنها نمونه‌ای عملی از تکفل و سرپرستی کودکان ارائه می‌دهد، بلکه نشان‌دهنده ارزش‌های انسانی و الهی مرتبط با این موضوع

است. حضرت زکریا علیه السلام با پذیرش سرپرستی حضرت مریم علیها السلام، الگویی از تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال کودکان نیازمند ارائه می‌دهد.

پژوهش حاضر با محوریت داستان حضرت مریم علیها السلام در قرآن کریم، ابعاد مختلف تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه را مورد بررسی قرار داده است. هدف این مطالعه، تحلیل تطبیقی بین آموزه‌های قرآنی و قواعد فقهی و تبیین جایگاه این موضوع در نظام حقوقی و تربیتی اسلام است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع فقهی و تفسیری، به پرسش‌هایی مانند شرایط و احکام سرپرستی در فقه امامیه، وظایف سرپرستان و ارتباط آن با آموزه‌های قرآنی پاسخ می‌دهد. توجه به این مباحث، زمینه‌ساز ارائه راهکارهایی برای حل چالش‌های مرتبط با سرپرستی کودکان در جوامع اسلامی است و الگویی جامع برای حمایت از کودکان نیازمند و بی‌سرپرست فراهم می‌کند. هدف این مقاله، ارائه رویکردهای نوین در زمینه تکفل و سرپرستی کودکان با بررسی داستان‌های قرآنی است. یافته‌های داستان حضرت مریم علیها السلام تأکید بر جنبه‌های اخلاقی، عاطفی و تربیتی در سرپرستی کودکان دارد.

یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی در بسیاری از کشورهای جهان، مسئله آموزش و تربیت نسل آینده است؛ زیرا کودکان آینده‌سازانی هستند که حقوقی دارند و تکلیف اجرای آن برعهده دولت و خانواده است. محقق به دنبال پاسخ به این سؤال است که تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه با توجه به داستان حضرت مریم علیها السلام چگونه است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. کودک در لغت

کودک به معنای صغیر و فرزندی است که به حد بلوغ نرسیده باشد. (معین، ۱۳۷۹، ۳/۳۱۱۷)

### ۲-۲. کودک در اصطلاح

دوره کودکی شامل مراحل مختلفی است؛ ابتدای سه‌سالگی، پرورش اندام و تقویت غذا آغاز می‌شود و از سه‌سالگی تا هفت‌سالگی دوره هوشیاری کودک است. در این دوران، کودک ابتدا آلت تناسلی خود را می‌شناسد و از هفت‌سالگی تا بلوغ، فرد از کودکی خارج شده و مسائل جنسی برای

او حل می‌شود و نسبت به زندگی اجتماعی علاقمند می‌گردد. دوران کودکی، دوره‌ای ویژه است که قانون، طرز تفکر و روحیه مخصوص به خود دارد و بزرگسالان، هرچند خود یک روز کودک بوده‌اند، نمی‌توانند به طور کامل در وجود کودک نفوذ کنند. (شکیبایور، ۱۳۶۳، ص ۳۳۲)

## ۲-۳. کفالت

کفالت در لغت عرب، اسم مصدر و به معنای ضمان و تعهد است. واژه کفالت اعم از ضمان است؛ به طوری که اگر متعلق آن مال باشد، به صورت «تکفلت المال» معنای ضمان می‌دهد و چنانچه متعلق آن نفس باشد، و گفته شود «تکفلت النفس»، در معنی کفالت به کار گرفته می‌شود. (رازی، ۱۳۱۰)

## ۲-۴. کفالت در اصطلاح

در اصطلاح فقهی، برخی کفالت را به معنای تعهد به نفس تفسیر کرده‌اند؛ یعنی به موجب آن، کفیل متعهد می‌شود مکفول را که نسبت به مکفول له متعهد و بدهکار است، برای متعهد له حاضر کند (شهید ثانی، ۱۳۸۹، ۱۵۱/۴). کفالت اعم از حضانت است. حضانت از «حضن» به معنای حدفاصل زیر بغل تا پهلوی است (ابن منظور، ۱۴۰۸، ۱۲۲/۱۳) و پهلوی نیز در این معنا لحاظ می‌شود (ابن اثیر جزری، ۱۳۸۴، ۴۰۰/۱).

حضانت به معنای حفظ و صیانت است (خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۷۲/۴) و در اصطلاح، به معنای ولایت بر طفل و مجنون برای تربیت و انجام امور مرتبط با تربیت است. والدین به طور کلی بر فرزند ولایت دارند و با اقدام نکردن مادر، ولایت او ساقط نمی‌شود؛ بلکه حضانت برای پدر ثابت شده و در صورت اقدام نکردن پدر، ولایت بر پدر و جد ثابت می‌شود. در صورت عدم اقدام این افراد، ولایت برعهده حاکم و سپس عدول مؤمنین قرار می‌گیرد (خوانساری، ۱۴۰۵، ۴۷۳/۴).

## ۲-۵. تعریف فقها از کفالت

کفالت به معنای اقتدار و تسلط بر کودک در انجام امور و ارائه خدمات لازم در دو بعد پرورش جسمانی و تربیت عاطفی و اخلاقی و تأمین امنیت روانی است. (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۲۳۸/۳)

### ۳. وظایف والدین

کودکان در دوره کودکی حقوقی بر گردن والدین دارند؛ زیرا این دوره دوران ضعف است (ر.ک.، حج: ۵؛ روم: ۵۴؛ غافر: ۶۷) و تأکید بیشتری بر حقوق کودکان از سوی خداوند شده است.

#### ۳-۱. انتخاب همسر و شیر مادر

در روایات اسلامی بر انتخاب همسر شایسته و مادر خوب برای کودکان بسیار سفارش شده است و انتخاب همسر زیبا که در خانواده ناسالم رشد کرده و «خضراء الدمن» است، نکوهش شده است. (جرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۹/۱۴) نقش مادر در شکل‌گیری شخصیت کودک بسیار مهم است و حتی دوران شیرخوارگی نیز تأثیر بسزایی دارد. پاکی مادر در شکل‌گیری شخصیت کودک مؤثر است (ر.ک.، مریم: ۲۸-۳۰) و این تأثیر از زمانی که کودک در رحم است تا دوران شیرخوارگی و بعد از آن ادامه می‌یابد (ر.ک.، بقره: ۲۳۳).

#### ۳-۲. عدالت و انصاف

عدالت عبارت است از: محبت و توجه به فرزندان و پرهیز از هرگونه تبعیض میان آنها. پیامبر ﷺ رعایت عدالت حتی در تعداد بوسیدن فرزندان را مهم دانسته و فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ؛ هَمَانَا خَدَاوْنِد دُوسْت دَارْد که میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، حتی در بوسیدن» (متقی، ۱۴۱۹، ۴۴۵۰/۱۶). عدالت، فرزندان را به تعادل روحی می‌رساند و به آنها امید و اعتماد به نفس می‌دهد و همچنین آنان را از کینه‌توزی، احساس حقارت یا سرکشی و ستیزه‌جویی محافظت می‌کند.

#### ۳-۳. آموزش و تربیت کودکان

خداوند در آیات ۵ و ۸ سوره نساء از مؤمنان خواسته است تا برخوردی شایسته و سازنده در گفتار و رفتار با کودکان داشته باشند. امام صادق ع دوران کودکی را دوران سفاهت می‌شمارد که با تربیت مربیان و استفاده از ابزارهای گوناگون، از جمله تغذیه و آموزش و پرورش، این سفاهت به بلوغ و رشد فکری، اقتصادی، جسمی و جنسی تبدیل می‌شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ۴۴۲/۲).

#### ۴. حکم سرپرستی کودکان در فقه امامیه

در ابواب ارث، حدود، قصاص، دیات، نکاح، طلاق و ولایت، شماری از منابع فقهی شیعی به پیروی از برخی منابع حدیثی در باب «احکام الاولاد» در خلال مباحث نکاح، به بسیاری از حقوق کودک و فرزند پرداخته‌اند؛ هرچند شماری از این مسائل، آدابی مستحب درباره فرزندان است (ابن زهره، ۱۴۱۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۳۱۳/۸؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۲۲۲/۳۱؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۴۸۹/۱).

##### ۴-۱. شرایط سرپرست

۴-۱-۱. عقل: کسی که می‌خواهد نگهداری و تربیت کودک را برعهده بگیرد، باید سلامت عقلی داشته باشد؛ زیرا بدون عقل، فلسفه حضانت از بین می‌رود. فقها نیز این شرط را پذیرفته‌اند و مذاهب چهارگانه اهل سنت و شماری از فقهای شیعه بر آن اتفاق نظر دارند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳؛ خوانساری، ۱۴۱۳؛ بحرانی، ۱۱۸۵؛ نجفی، ۱۳۹۹)

۴-۱-۲. قدرت نگهداری و سرپرستی: سرپرست و نگهدارنده باید سلامت جسمانی داشته باشد و به بیماری‌های واگیردار مبتلا نبوده و مسن نباشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷۲۶/۱) شهید اول نیز از قول برخی این شرط را بیان کرده و به حدیث نبوی استناد جسته است: «فر من المجذوم فرارک من الاسد» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۴۳۱/۸). صاحب حدائق این شرط را نمی‌پذیرد (بحرانی، بی‌تا، ۹۱/۲۵؛ نجفی، ۱۳۹۲، ۲۸۹/۳۱).

۴-۱-۳. شایستگی اخلاقی: اگر سرپرست و نگهدارنده سلامت اخلاقی نداشته باشد، تربیت کودک در معرض خطر قرار می‌گیرد. گروهی از فقها، عدالت را در سرپرست و نگهدارنده لازم دانسته‌اند. (ر.ک.، شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۳/۲۵) برخی دیگر عدالت را لازم نمی‌دانند؛ زیرا تیمارداری و نگهداری کودک از مهربانی مادر سرچشمه می‌گیرد و ربطی به عدالت ندارد (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۸۹/۳۱؛ حلی، ۱۴۱۹، ۱۰۲/۳؛ حلی، ۱۳۵۷، ۲۶۵/۳). شهید ثانی، فاسق نبودن را شرط دانسته، نه عدالت را (عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱). از مجموع سخنان روشن می‌شود که شرط بودن یا نبودن عدالت، مستند به روایت یا نص خاصی در مسئله نیست و

فقها در پذیرش آن به فلسفه حضانت نظر دارند. بنابراین، در مسئله سرپرستی و نگهداری، باید نکات اخلاقی در سرپرست و نگهدارنده رعایت شود تا در تربیت کودک مؤثر باشد.

۴-۱-۴. اسلام: برخی فقهای امامیه می‌گویند: «کسی که از کودک نگهداری می‌کند باید مسلمان باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۳۳۶/۲؛ طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۲؛ عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۱/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۸/۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۰/۲۵).

اول) دلیل مهم فقهای شیعه: دلیل مهم فقهای شیعه و کسانی که این شرط را پذیرفته‌اند، آیه و روایت زیر است: «و لن يجعل الله للكافرين على المسلمين سبيلا» (نساء: ۱۱). شهیدثانی، فاسق نبودن را شرط دانسته، نه عدالت را (عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱). بنابراین، چون سرپرستی و نگهداری به گونه‌ای سلطه است، باید از فردی باشد که در هدایت کودک مؤثر است. صاحب جواهر بعد از ذکر این دو دلیل می‌نویسد: «مسلمان از کافر برای نگهداری کودک مسلمان سزاوارتر است؛ زیرا ترس آن می‌رود که در کودک روحیه‌ای به وجود آید که سبب انحراف عقیده او شود و مطابق اخلاق و ملکات او رشد نکند» (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۸۷/۳۱).

۴-۱-۵. سکنی در محل ثابت: شیخ طوسی قائل است: «اگر سفر مادر از روستا به شهر باشد، او سزاوارتر است برای نگهداری کودک». (طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۶) برخی علما قول شیخ را نپذیرفته‌اند (عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱). صاحب مدارک بر این باور است که مسئله دلیل روشنی ندارد (عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۶). صاحب جواهر این شرط را نمی‌پذیرد و اطلاق دلایل حضانت را حاکم می‌داند (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۸۹/۳۱). شیخ نیز در کتاب «خلاف» همین قول را پذیرفته است (طوسی، ۱۳۶۹، ۸۳/۳).

۴-۱-۶. عدم ازدواج مادر: اگر نگهداری کودک برعهده مادر باشد و مادر ازدواج کند و پدرزنده باشد، حق سرپرستی مادر از بین می‌رود. این حکم بین فقهای شیعه اجماعی است (شیخ مفید، ۱۳۶۳، ۴۱/۶؛ طوسی، ۱۳۶۹، ۸۳/۳؛ عاملی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۱؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۲/۲۵؛ نجفی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۲۹۲/۳۱؛ حلی، ۱۴۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۱۰۲/۳).

۴-۱-۷. سرپرستی و نگهداری کودک در صورت جدایی پدر و مادر به طلاق: به اتفاق نظر فقهای ما، در روایات قید دو سال مطرح نشده است، بلکه عنوان «رضاع و فطام» ذکر شده است.

چون دوران شیردهی غالباً بیش از دو سال نیست، ملاک دوره‌ای که کودک باید در اختیار مادر باشد، دو سال در نظر گرفته شده است (حلی، ۱۳۶۹، ۵۱۴/۲؛ بحرانی، بی‌تا، ۸۸/۲۵؛ صاحب جواهر، ۱۳۹۲، ۲۹۰/۳۱-۲۹۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۳۱۲/۲-۳۱۳؛ فخرالمحققین، حلی، ۱۳۵۷، ۲۶۴/۳-۲۶۵؛ شهید اول، ۱۳۶۹، ۴۵۸/۵-۴۵۹؛ محقق حلی، ۱۴۱، ۱۹۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۵۷۷/۲؛ مروارید، ۱۴۱۰، ۲۰۴/۱۸؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۱۰۱/۱؛ فاضل ابی، ۱۴۱۰، ۲۰۰/۲-۲۰۱؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۵، ۳۷۱/۲-۳۷۲؛ طباطبایی، ۱۱۹۲، ۱۹۱/۲-۱۹۲؛ مجلسی اول، ۱۳۴۶/ص ۱۵۲).

صاحب جواهر می‌نویسد: «آیا اگر کودک پیش از دو سال از شیر گرفته شد، دوران نگهداری به پایان می‌رسد، چنانچه در روایت آمده: "فاذا فطم فالاب احق منها"؟ در نتیجه، دوران کودکی سزاوار است پیش مادر باشد» (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۹۰/۳۱).

۴-۱-۸. سرپرستی کودک در صورت مرگ پدر یا مادر: این مسئله مورد اتفاق فقهاست که با مرگ یکی از والدین، نگهداری و سرپرستی کودک به دیگری منتقل می‌شود، حتی اگر مادر ازدواج کرده باشد یا برای کودک وصی و قیم تعیین شده باشد (طوسی، ۱۳۶۳، ۴۳/۶-۴۴؛ طوسی، ۱۳۶۹، ۸۵/۳-۵۹؛ حلی، ۱۳۹۸، ۴۲۶/۳؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۷/۱؛ بحرانی، بی‌جا، بی‌تا، ۹۵/۲۵؛ عاملی، ۱۳۹۲، ۲۹۳/۳۱؛ عاملی، ۱۳۶۹، ۴۵۹/۵؛ طباطبایی، ۱۱۹۲، ۱۹۲/۲).

بازدارندگی ازدواج مادر از سرپرستی کودک زمانی است که پدر کودک زنده باشد. به مقتضای نص قانونی، در مواردی که نزاع درباره کودک بین وارثان پیش آید، مادر برای سرپرستی سزاوارتر است، به شرط اینکه ازدواج نکرده باشد. (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۵۸۲/۱) صحیحه ابن سنان نیز بر این مطلب دلالت دارد: «ولیس للوصی ان یخرجه من حجرها حتی یدرک ویدفع الیه ماله» (حرعاملی، ۱۳۸۱، ۱۷۹/۱۵). در صورت مرگ هر دو والد، طبق قول مشهور، سرپرستی به جد پدری منتقل می‌شود؛ زیرا او ولایت بر مال و دیگر امور کودک را دارد (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۹۶/۳۱).



## ۵. عوامل مؤثر در داستان قرآنی حضرت مریم علیها السلام

### ۵-۱. توصیف اجمالی حضرت زکریا

- حضرت زکریا علیها السلام پیامبر الهی است؛
- نام مبارک حضرت زکریا در قرآن هفت بار در سه سوره آمده است؛
- نسب او از پسر یعقوب نبی است (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۳۹۷) و از نوادگان دختری حضرت داود است (نیشابوری، ۱۳۸۶، ص ۳۱۰)؛
- حضرت زکریا شوهر خاله حضرت مریم علیها السلام است (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱/۴۳۶).

### ۵-۲. حضرت مریم علیها السلام تحت کفالت زکریا

در زمان کودکی حضرت مریم علیها السلام، پدرش عمران از دنیا رفت و برای مراقبت او، مادرش او را به بیت المقدس برد و تسلیم عابدان و پارسایان مقیم آنجا نمود. در مسئله کفالت حضرت مریم علیها السلام اختلاف به وجود آمد. سرانجام زکریا که پیامبر آن عصر و به گفته‌ای شوهر خاله‌اش بود، مسئولیت کفالت او را به عهده گرفت و برای قطع نزاع، به قرعه‌کشی روی آوردند که قرعه به نام او درآمد (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱/۴۳۶): «فتقبلها ربها بقبول حسن وأنبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم أنى لك هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب» (آل عمران: ۳۷).

۵-۲-۱. پرورش مریم باکره: حضرت مریم علیها السلام با طهارت و به دور از آلودگی، گناه و رذایل اخلاقی پرورش یافت: «وإذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك وطهرك واصطفاك على نساء العالمين؛ يا مريم اقنتی لربک واسجدی وارکعی مع الراکعین» (آل عمران: ۴۲-۴۳).

۵-۲-۲. دعا و نیایش حضرت مریم علیها السلام: «إذ قالت امرأت عمران رب إني نذرت لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی إنك أنت السميع العلی». (آل عمران: ۳۵)

۵-۲-۳. ایمان و تسلیم در برابر اراده الهی: «قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقيا» (مریم: ۱۸). این نخستین لرزه‌ای بود که سراسر وجود مریم را فراگرفت. بردن نام خداوند رحمان و توصیف او به رحمت عامه، تشویق به تقوا و پرهیزکاری است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۳/۸۴).

۵-۲-۴. نقش دعا و توکل بر خدا در تربیت فرزند: دعای مادر حضرت مریم علیها السلام برای حفظ معنویت فرزندش، اهمیت دعا و توکل به خدا در تربیت دینی کودک را نشان می‌دهد: «سمیتها مریم وانی أعیذها بك وذریتها من الشیطان الرجیم» (آل عمران: ۳۶)؛ «فتقبلها ربها بقبول حسن وأنبتها نباتا حسنا وكفلها زکریا» (آل عمران: ۳۷). همچنین، مادر حضرت مریم علیها السلام فرزند خود را وقف خداوند کرد: «إذ قالت امرأت عمران رب إني نذرت لك ما فی بطنی محررا فتقبل منی إنك أنت السميع العليم» (آل عمران: ۳). این اقدامات نشان‌دهنده اهمیت نیت پاک، محیط سالم و سرپرستی صالح در تربیت دینی کودک است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲؛ علامه طباطبایی، ۱۳۷۸، ۲۵۹/۳).

۵-۳. حضرت مریم علیها السلام و نقش مادر در تربیت فرزندان برای مواجهه با چالش‌های زندگی «فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا». (مریم: ۲۳)

۵-۳-۱. اعتماد به خداوند در سختی‌ها: حضرت مریم علیها السلام با توکل به خداوند و یاری الهی، مرحله دشوار زایمان را با موفقیت پشت سر گذاشت. این رویداد نمودی از استقلال شخصیت و تربیت معنوی اوست (قرائتی، ۱۳۸۶، ۴۳/۷).

۵-۳-۲. توجه به نیازهای روحی و معنوی: رشد حضرت مریم علیها السلام در محیطی سرشار از معنویت و ارتباط با خدا صورت گرفت. واژه «محراب» در این سوره نمادی از فضایی است که نیازهای روحی و معنوی او را برطرف می‌کرد: «فناداها من تحتها ألا تحزنی...» (مریم: ۲۴).

داستان حضرت مریم علیها السلام نشان می‌دهد که تربیت دینی و اخلاقی کودکان باید شامل نیت پاک والدین، فراهم کردن محیط امن و معنوی، توجه به نیازهای عاطفی، تشویق به اخلاق نیکو، استفاده از دعا و توکل به خدا، و آموزش مقاومت در برابر چالش‌ها باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۸/۲؛ قرائتی، ۱۳۸۶، ۴۳/۷)

## ۶. مقایسه (یافته‌ها) با فقه امامیه

جدول ۱. مقایسه تطبیقی تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه و داستان حضرت مریم علیها السلام در قرآن

موضوع	داستان حضرت مریم <small>علیها السلام</small>	فقه امامیه	آدرس
شایستگی سرپرست	انتخاب سرپرستی حضرت مریم <small>علیها السلام</small> با قرعه کشی و به مشورت گذاشته شد، که در نهایت حضرت زکریا <small>علیه السلام</small> شایسته ترین فرد برای این وظیفه شناخته شد.	باید در انتخاب سرپرست صلاحیت و شایستگی فرد از نظر اخلاقی، تربیتی و مالی در نظر گرفته شود.	شیخ طوسی، ۷۲۳، ۱۳۶۹
تربیت اخلاقی	تربیت معنوی و اخلاقی تحت نظارت زکریا	سرپرست موظف به تربیت دینی و اخلاقی کودک باشد.	امام خمینی، ۶۲۵/۲، ۱۳۹۲
تامین نیازهای کودک	زکریا تمام نیازهای حضرت مریم <small>علیها السلام</small> را تأمین کرد.	تأمین نفقه و نیازهای کودک بر عهده سرپرست است.	علامه حلی، ۱۳۴/۲، ۱۴۱۳
مسئولیت الهی	سرپرستی حضرت مریم <small>علیها السلام</small> به عنوان امانتی الهی به حضرت زکریا سپرده شد، که او این مسئولیت را با دقت و تعهد انجام داد.	سرپرستی کودک به عنوان امانتی الهی شناخته می شود و سرپرست باید در برابر خداوند پاسخگو باشد.	کلینی، ۱۳۹۱، ۲۱۴/۲

## ۷. تحلیل منابع فقهی و روایات

### ۱-۷. شایستگی سرپرست

در داستان حضرت مریم علیها السلام، حضرت زکریا علیه السلام به دلیل شایستگی معنوی و اخلاقی، سرپرستی حضرت مریم علیها السلام را برعهده گرفت: «وادر فی الکتاب مریم إذ انتبذت من أهلها مکانا شرقیا» (مریم: ۱۶).

تحلیل: حضرت مریم علیها السلام به دلیل تربیت صحیح در محیطی پاک، به پاکدامنی و تقوا مشهور شد. این ویژگی ها از کودکی در او شکل گرفت و نشان دهنده تأثیر تربیت صحیح در محیط امن و معنوی است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۲۳/۱۳).

### نکات مهم در سرپرستی کودکان:

- خداوند سرپرستی حضرت مریم علیها السلام را به زکریا سپرد که اهمیت انتخاب سرپرست شایسته را نشان می دهد. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۳۶/۲)

- پرورش نیکو: سرپرست موظف است کودک را به بهترین شکل تربیت کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲)

- شایستگی سرپرست: اخلاق و ایمان از معیارهای اصلی انتخاب سرپرست است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲) در روایات، به شایستگی اخلاقی، دینی و تربیتی سرپرست تأکید شده است: «من کفل یتیم و کف یده عنه، کان له جنة الفردوس» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ص ۲۵۰).

#### ۱-۱-۷. شایستگی سرپرست در فقه امامیه

- سرپرست از نظر اخلاقی و دینی شایسته باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ۴۰/۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۴۶۹/۱؛ بحرانی، بی تا، ۹۳/۲۵)

- توانایی مالی و تربیتی داشته باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۷۲۶/۱)

- حقوق کودک را به طور کامل رعایت کند. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۳۲/۲)

- سرپرست باید عادل، امین و توانمند باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۶۲۳/۲-۶۲۵)

- جمع بندی: شایستگی سرپرست مستحب و مورد تأکید فقهاست.

#### ۲-۷. تربیت معنوی و اخلاقی

حضرت مریم علیها السلام تحت تربیت حضرت زکریا علیه السلام به مقامات بالای معنوی رسید: «فتقبلها ربها بقبول حسن وأنبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا» (آل عمران: ۳۷)

تحلیل: خداوند حضرت مریم علیها السلام را در محیطی پاک و تحت سرپرستی پیامبری صالح قرار داد. این امر اهمیت فراهم آوردن محیط امن و معنوی برای رشد فرزندان را نشان می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۴۲۶/۲)

#### ۱-۲-۷. تربیت معنوی و اخلاقی در فقه امامیه: امام صادق علیه السلام می فرمایند: کودک در هفت

سال اول زندگی به بازی سرگرم است، هفت سال دوم به تعلیم و آموزش، و هفت سال سوم به شناخت احکام حلال و حرام: «الغلام يلعب سبع سنين و يتعلم الكتاب سبع سنين و يتعلم الحلال و الحرام سبع سنين» (کلینی، ۱۳۹۱، ۴۷/۶؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ۴۷۳/۲۱). وظیفه سرپرست «علی

الحاضن أن يؤدب الطفل و يعلمه ما يحتاج إليه في دينة و دنياه» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۶۲۵/۲)، تربیت معنوی و اخلاقی کودکان در فقه امامیه مستحب موکد است.

### ۷-۳. تأمین نیازهای مادی

#### ۷-۳-۱. تأمین نیازهای مادی حضرت مریم علیها السلام

تحلیل: روزی که خداوند به حضرت مریم علیها السلام می‌رساند، علاوه بر نیازهای مادی، نشان‌دهنده توجه به نیازهای عاطفی و معنوی اوست. حضرت زکریا علیه السلام نیز با محبت و توجه، نقش مهمی در ایجاد آرامش داشت (ر.ک.، آل عمران: ۳۷).

#### ۷-۳-۲. تأمین نیازهای مادی کودک در فقه امامیه

تأمین نیازهای مادی کودک بر عهده سرپرست است: «النفقة علی الحاضن واجبة ما دام الطفل فی حضانتہ» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۳۴/۲)؛ «بر سرپرست واجب است که نیازهای کودک، از جمله خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند» (خمینی، ۱۳۹۲، ۶۲۵/۲). آیات، روایات و نظرات فقها اثبات وجوب نفقه کودک را نشان می‌دهد.

### ۷-۴. مسئولیت الهی

سرپرستی حضرت مریم علیها السلام به عنوان وظیفه‌ای الهی به حضرت زکریا سپرده شد. (طبرسی، ۱۴۱۲، ۴۳۶/۱) در روایات شیعه، اهمیت سرپرستی کودکان به عنوان وظیفه‌ای الهی بیان شده است (کلینی، ۱۳۹۱، ۲۱۴/۲). امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر در مورد رعایت حقوق ضعیفان و کودکان فرمود: «الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لا حيلة لهم...» (شریف رضی، ۱۳۶۸، نامه ۵۳). طبق روایات، کودکان امانتی از طرف خدا هستند و سرپرست در مقابل این امانت مسئولیت دارد؛ بنابراین مسئولیت سرپرستی کودک واجب است.

### ۸. نتیجه‌گیری

بررسی تکفل و سرپرستی کودکان در فقه امامیه با تأکید بر داستان حضرت مریم علیها السلام در قرآن، ابعاد مهم جایگاه این موضوع در آموزه‌های اسلامی را روشن می‌سازد. داستان حضرت مریم علیها السلام و

سرپرستی ایشان توسط حضرت زکریا علیه السلام در قرآن کریم، الگویی از مسئولیت‌پذیری و حمایت از کودکان نیازمند ارائه می‌دهد و بر اهمیت جنبه‌های عاطفی و معنوی این وظیفه تأکید می‌کند. این داستان نشان می‌دهد که سرپرستی کودکان، علاوه بر تأمین نیازهای مادی، شامل تربیت معنوی و رشد و تعالی اخلاقی و روحی آنها نیز هست. فقه امامیه با وضع قوانین دقیق و کامل، شرایط و وظایف سرپرستان را مشخص کرده و بر لزوم رعایت عدالت، محبت و تأمین نیازهای مادی و معنوی کودک تأکید دارد. تطبیق آموزه‌های قرآنی با مبانی فقه امامیه نشان می‌دهد که این دو منبع به صورت مکمل، نظامی کامل برای حمایت از کودکان نیازمند ارائه می‌کنند. در این چارچوب، سرپرستی به عنوان یک وظیفه فردی و مسئولیت اجتماعی برای تقویت بنیان‌های اخلاقی و انسانی جامعه معرفی می‌شود.

پژوهش حاضر بر ضرورت توجه به آموزه‌های قرآنی و فقهی در مواجهه با چالش‌های معاصر مرتبط با سرپرستی کودکان تأکید می‌کند. احیای این آموزه‌ها می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی برای حمایت از کودکان بی‌سرپرست، اصلاح نظام سرپرستی در جوامع اسلامی و کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شود. الگویی که از داستان حضرت مریم علیها السلام الهام گرفته می‌شود، می‌تواند به عنوان راهنمایی جامع برای سرپرستان و نهادهای اجتماعی در جهت تحقق عدالت، محبت و تکامل معنوی در فرآیند سرپرستی کودکان به کار گرفته شود.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۷۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام.
- \* نهج البلاغه (۱۳۶۸) گردآوری: شریف رضی. مترجم: فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی. تهران: بی‌نا
- ۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۸۴). النهایة فی غریب الحدیث والاثار. دارالتفسیر. تهران.
- ۲. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۳۷۵). السرائر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۳. ابن زهره القيروانی (۱۴۱۷). غنیه النزوع إلى علمی الأصول والفروع. تهران: چاپ ابراهیم بهادری.
- ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۵. اجزیری، عبدالرحمن بن محمد عوض (۱۴۲۴). الفقه علی المذاهب الأربعة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۶. امامی، اسدالله؛ صفایی، حسین (۱۳۷۶). حقوق خانواده. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷. امینی، ابراهیم (۱۳۷۲). اسلام و تعلیم و تربیت. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.

۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). کتاب النکاح. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (بی تا). الحدائق الناضرة. بی جا، بی نا.
۱۰. تاج الدین شعیری (۱۳۶۳). جامع الأخبار. قم: رضی.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۲. حلی، احمد بن محمد بن فهد (۱۳۹۸). المذهب البارع. قم: انتشارات العطار.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۹). نهاية الأحکام فی معرفة الأحکام. قم: اسماعیلیان.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۹). قواعد الأحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۵. حلی، محمد بن حسن (فخرالمحققین) (۱۳۵۷). ایضاح الفوائد فی شرح الفوائد. قم: اسماعیلیان.
۱۶. حیدری، معصومه (۱۳۷۹). آداب رفتار با دختران. کاشان: محتشم.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیلة (کتاب النکاح). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۸. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. تهران: مکتبه الصدوق.
۱۹. داودی، محمد (۱۳۸۶). سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در تربیت دینی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۰. رازی، محمد بن ابی بکر (۱۳۱۰). مختار الصحاح. مصر: چاپ سری.
۲۱. شکیبایور، عنایت الله (۱۳۶۳). دایرة المعارف روان شناسی. تهران: فروغی.
۲۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۹). الروضة البهیة. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۹). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: بی نا.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴). من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طباطبایی، سید علی (۱۱۹۲). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۶. طباطبایی، سید علی (۱۳۸۲). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). المبسوط. تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۹). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی.
۳۰. عاملی، زین الدین بن علی (۱۳۸۱). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإمامیه.
۳۱. عاملی، سید محمد (۱۴۱۳). نهاية المرام. قم: انتشارات اسلامی.
۳۲. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۳۶۹). اللمعة الدمشقیة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۳. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین. قم: انتشارات امامعلیان.
۳۴. علامه حلی، حسن بن مطهر (۱۴۱۳). قواعد الأحکام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). مختلف الشیعة. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. علامه طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). تفسیر المیزان. مترجم: نیری بروجردی، عبدالکریم. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۳۷. علامه مجلسی، محمد تقی (۱۳۴۶). یک دوره فقه کامل فارسی. تهران: بی نا.
۳۸. فاضل ابی، زین الدین (۱۴۱۰). کشف الرموز فی شرح المختصر النافع. قم: انتشارات اسلامی.
۳۹. فاضل هندی، بهالدین محمد (۱۴۱۶). کشف اللثام عن قواعد الأحکام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۹۵). مفاتیح الشرائع. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

۴۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۶). تفسیر نور. تهران: مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۲. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۲). حقوق مدنی (عقود مدنی). تهران: گنج دانش.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱). اصول کافی. مترجم: حسین استادولی. قم: دارالتحلیق.
۴۴. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹). کنز العمال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۸). بحار الأنوار. اصفهان: مرکز القائمة للدراسات الكمبيوترية.
۴۶. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۰). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. تهران: قسم الدراسات الإمامیه.
۴۷. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۳). الینایع الفقہیہ. بیروت: الدار الإسلامیه.
۴۸. معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۰. ملک‌زاده، فهیمه (۱۳۸۹). دانشنامه حقوقی (جلد دوم). تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۵۱. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۹). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۲. نوری، میرزا حسین؛ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۹). وسائل الشیعة و مستدرکها. قم: انتشارات دفتر اسلامی.